



بدون شناخت نمی‌شود عبادت کرد/ پیروی از شهوات، آزادی نیست

دینانی گفت: اگر فقط از خواسته‌های شهوانی پیروی کنیم ولی دانسته‌های عقل را نادیده بگیریم، این نه تنها آزادی نیست بلکه اسیر بودن است.

دینانی گفت: اگر فقط از خواسته‌های شهوانی پیروی کنیم ولی دانسته‌های عقل را نادیده بگیریم، این نه تنها آزادی نیست بلکه اسیر بودن است.

به گزارش خبرنگار مهر، غلامحسین ابراهیمی دینانی، عضو انجمن حکمت و فلسفه ایران و چهره ماندگار فلسفه در برنامه «معرفت» گفت: که از شبکه چهار سیما پخش می‌شد، اظهار داشت: عقل، اشتها به کنجکاوی دارد. اگر عقل کنجکاو نبود، پیش نمی‌رفت و دیانت هم ترقی نمی‌کرد. خدا و نبوت را با کنجکاوی می‌توان فهمید.

وی ادامه داد: عقل همه‌جا کنجکاو است ولی در عین کنجکاوی وقتی به نتیجه رسیدن یعنی برهان داشت و فهمید، آن وقت ایمان می‌آورد، تسلیم می‌شود و تواضع می‌کند.

تفاوت عقل ابزاری و عقل هدفمند

ابراهیمی دینانی افزود: هم عقل ابزاری داریم و هم عقل هدفمند. هر دو هم مقدس هستند و احترام دارند. عقل ابزاری در زندگی و علوم به درد ما می‌خورد و عقل هدفمند، در فلسفه و دیانت به درد ما می‌خورد.

این استاد دانشگاه تصریح کرد: عقل اول می‌شناسد و بعد عبادت می‌کند. بدون شناختن نمی‌شود عبادت کرد. بت‌پرست‌ها هم عبادت می‌کنند اما آن عبادت به اندازه شناختش است. بت‌پرست و هر دینی حتی ادیان جعلی و نوظهور هم ادعای شناخت و عقلانیت دارند. اما باید شناخت آنها را محک بزنیم. باید بینیم منطقی می‌گوید یا نه. عبادت بدون شناختن، عبادت نیست. عبادت بدون شناخت چه بسا عبادت بت باشد.

وی با طرح این سؤال که آزادی چیست؟ گفت: آزادی یعنی آنچه که عقل انسان یا خواسته‌هایش بگوید. برخی می‌گویند: فکر می‌کنند که آزادی یعنی اینکه خواسته‌های مطلق باشد، هر چه که دلم می‌خواهد. خواستن‌ها، شهوات هم دارد. اما اگر این توازن را برقرار کنید که دانسته‌های را با خواسته‌های هم بدانی و به اندازه‌ای که عقلت اجازه می‌دهد، بخواهی، خیلی مطلوب است. اما اگر بیشتر از آنچه که عقلت اجازه می‌دهد، بخواهی، آن آزادی نیست. اگر آنچه که عقلت می‌فهمد، بخواهی، آزادی قشنگی است. اما اگر می‌خواهی ولی عقلت نمی‌داند یا خلاف آن را می‌گوید، این آزادی نیست، بلکه اسارت است.

پیروی از شهوات، آزادی نیست، اسارت است

عضو انجمن حکمت و فلسفه ایران در ادامه گفت: اگر فقط از خواسته‌های شهوانی پیروی کنیم ولی دانسته‌های عقل را نادیده بگیریم، این نه تنها آزادی نیست بلکه اسیر بودن است. اسیر خواسته‌های هستیم. اگر بخواهی و بدانی و بدانی و بخواهی، آزادی است. اما اگر نادانسته بخواهی، این اسیر بودن است. مرز ظریفی بین آزادی و اسارت وجود دارد.

چهره ماندگار فلسفه خاطرنشان کرد: اگر این توازن برقرار شد که خواسته‌های انسان هر اندازه که زیاد باشد، بر اساس موازن عقل باشد، این آزادی است اما اگر عقل را کنار بگذاریم و به صورت مداوم بخواهیم، با حیوانات چه فرقی می‌کند؟ حیوانات هم می‌خواهند، ولی فقط با غریزه می‌خواهند. اگر فقط بخواهی بدون موازن عقلی، آن خواستن غریزی است و اگر بدانی و خواسته‌های اجرا نشود، آن هم اسارت است. اگر بدانی و بخواهی، آزادی است.

ابراهیمی دینانی تأکید کرد: هدف زندگی، جاودانگی است. جاودانگی رسیدن به حق تعالی است. بنابراین کسی که بخواهد جاودانه شود، باید به حق تعالی واصل شود یعنی غرق حق شود، یعنی آنچه که حق می‌خواهد، بخواهد. اگر آنچه خدا می‌خواهد، بخواهیم؛ جاودانه هستیم.

وی گفت: اگر کسی بخواهد به جاودانگی برسد، از آنچه که شهوات است، می‌گذرد. اینجاست که این آزادی از شهوات است. عارف گاهی به جایی می‌رسد که از همه اینها می‌گذرد. آنها اولیای خدا بودند.

عضو انجمن حکمت و فلسفه ایران افزود: بسیاری اشخاص که عقلانی عمل نمی‌کنند و به احکام عقل وفادار نمی‌مانند، آزادی را در خواسته‌های نفسانی می‌دانند، این آزادی حیوانی است اما اگر کسی با موازین عقلانی، خواسته‌های نفسانی را اندازه‌گیری کند، در زندگی آزاد است.

ابراهیمی دینانی بیان داشت: من نمی‌گویم پولدار بودن بد است، خیلی هم خوب است، چرا که من هم دوست دارم پول داشته باشم، اما اگر پول داشته باشی و به آن وابسته نباشی، خوب است. اگر شخصی میلیاردر باشد و در یک لحظه آن را به فقرا بدهد، آن قشنگ است و نشان می‌دهد که وابسته به پول نیست. دارا بودن بد نیست، دل را نبند و به موقع، آن را به مصرف برسان. به فقرا برسان. پولداری است که در یک لحظه از پول می‌گذرد، در عین حال، فقری هم است که از پول ناچیز خودش نمی‌گذرد. فقیر وابسته هم داریم.

وی در پایان ابراز داشت: آن پولداری که از پول می‌گذرد، یقیناً چیز بالاتری را در نظر گرفته است که از پولش می‌گذرد، بشر حسابگر است، بی خود مالش را از دست نمی‌دهد، برای امر معنوی پربهتری، ثروتش را مصرف می‌کند. بعضی‌ها نه تنها ثروت، بلکه جانشان را از دست می‌دهند؛ منتهی برای چیزهای بالاتر. انسانی که به مسائل بالاتر می‌اندیشد به مسائل کوچکتر بها نمی‌دهد.